



ورزشکار سرشناس ۱۹ سال پیش ناپدری اش را به قتل رساند و خانواده قربانی جنایت، بخاطر خوش رفتاری قاتل، او را بخشیدند.

رسیدگی به این پرونده از سال ۸۳ با اعلام خبر قتل مرموز مردی مقابل خانه اش در یکی از محله های کرج شروع شد.

حوادث ایران

• چهارشنبه، ۲۸ تیر ۱۴۰۲
• اول محرم ۱۴۴۵
• سال بیست و نهم
• شماره ۸۲۳۶

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده ها / داستان های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

تیترها

۲ مرد با اتهام سرقت مواجه شدند
می خواستیم صاحب چک را پیدا کنیم!

۲ مرد که به اتهام سرقت خشن از راننده مسافرکش بازداشت شده بودند پای میز محاکمه ادعای بی گناهی کردند. آنها گفتند مغازه دار هستند و بی دلیل دستگیر شده اند.

۱۶

پرسه های شوم ۴ دوست در خیابان های پایتخت

۴ سارق که با همدستی هم باند سرقت محتویات خودرو تشکیل داده بودند در حالی به دام مأموران پلیس افتادند که بیش از ۱۰۰ سرقت انجام داده اند.

۱۶

دزدان هم نمی دانستند رودست می خوردند

مردی که عاشق کلاهبرداری است

مرد جوان که با خرید چک های سرقتی اقدام به کلاهبرداری با شیوه عجیب می کرد، ادعا کرد که کلاهبرداری را دوست داشته است!

۱۸

پیگیری پرونده

اعدام برای مرد عاشق پیشه در قتل همسر سابقش

مرد عاشق پیشه که در رؤیای بازگرداندن همسر مطلقه اش، او را برای تفریح به فیروزکوه برده بود، دست به جنایت زد.

این مرد هنوز در رؤیای زندگی عاشقانه بود که با بررسی گوشی موبایل همسرش دست به جنایتی فجیع زد.

۱۸

۱۳ تبهکار دزدان سریالی خودروهای تهران

اعضای باند ۱۳ نفره سرقت خودرو تهرانی ها به دام افتادند. مدتی قبل رسیدگی به شکایت های سریالی شهروندان تهرانی با موضوع سرقت خودرو در دستور کار مأموران پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

۱۸



شلیک تنهایی

ثانیه هایی از قطع شدن صدای تیراندازی نگذشته بود که مردی فریاد زنان به کوجه تاریک درنا دوید. او مرتب از همسایه ها می خواست کسی را بگیرند، اما وقتی همه از خانه هایشان بیرون ریختند جز این مرد گریان که در وسط کوجه نشسته بود، کسی را ندیدند. همه جا سکوت و کور بود، مرد جوان در میان نگاه های حیرت زده همسایه ها موبایلش را از جیب خود درآورد، شماره ۱۱۰ را گرفت و با گریه گفت: دوست صمیمی ام را کشتند، قاتل فرار کرد، اینجا بیاید ...

برادرم به کبودی صورت مادرم مشکوک شده و با ایل آئی دی که خودش برای مادرم ساخته بود به اطلاعات گوشی مادرم دست پیدا کرده بود. در گوشی مادرم مدارکی از شکایت علیه برادرش وجود داشت که نشان می داد ۳ روز قبل از فوت مادرم، او با برادرش درگیر شده و در جریان درگیری برادرش او را کتک زده بود

چطور ممکن بود با گذشت تنها ۴ روز این امر غیرممکن باشد؟ برایم سوال بود که برخی پرونده های جنایی وجود دارد که چندین ماه از قتل گذشته و علت مرگ تشخیص داده می شود. با این حال من روند رسیدگی به پرونده جنایی مادرم را دنبال کردم تا به نتیجه برسم.

ماجرا چه بود؟

با تحقیقاتی که انجام شد در ابتدا به دایی من اتهام مباشرت در قتل عمدی تهمین شد. روز حادثه مادرم در خانه مادر بزرگ و پدر بزرگم بود. منزل مادرم واقع در محله پونک بود اما خیلی وقت ها به پدر و مادرش سری می زد. مادرم از چند سال قبل با خانواده اش اختلافات مالی داشت و روز حادثه دو خواهر و یک برادرش بعد از مادرم به خانه مادر بزرگ می روند. آن روز دعوی لفظی بین آنها بالا می گیرد و مادرم در برابر توهین هایی که می شنود به برادر خود فحاشی می کند. برادرش هم او را بشدت مورد ضرب و جرح قرار می دهد.

کمیسرین پزشکی قانونی در نظریه خود اعلام کرد که آلام روحی ناشی از صدمات وارد شده سبب عارضه قلبی منجر به مرگ شده است. وقتی به این حال مادرم فکر می کردم، احساس می کردم با این حال مادرم فکر می کردم، احساس صد برابر غم انگیزتر از این است که به خاطر اصابت ضربات فوت کرده باشد! یعنی او به حدی غصه خورده و تحت فشار روحی بوده که عمرش به دنیا قد نداده!

به همین دلیل دایی من از اتهام قتل عمدی تبرئه شد و متهم به ۱۰ درصد تسبیب در قتل مادرم شد. اما من به این تصمیم اعتراض دارم چون دایی من می دانست که مادرم بیماری قلبی دارد و اقدام به کتک زدن او کرد. من دنبال دیه یا حتی قصاص نیستم. فقط می خواهم حقیقت در پرونده مادرم مشخص شود.

بنابراین گزارش، اتهام متهم پرونده ۱۰ درصد تسبیب در قتل تعیین شده است و رسیدگی به این پرونده تا روشن شدن راز ماجرا در دستور کار قضایی قرار دارد.

حدس اینکه این درگیری در مرگ مادرم مؤثر بوده اصلاً کار سختی نبود. بشدت عصبانی شده بودم و با افرادی که در جریان این ماجرا بوده اما به برادرم دروغ گفتند یا به من حقیقت را نگفتند، تماس گرفتم و گفتم چرا به ما در مورد علت مرگ مادرم دروغ گفتید؟ آنها می گفتند نباید در میان قوم و خویش آبروریزی می شد. حالا این حس به من دست داده بود که با جنازه مادرم برای خودشان آبرو خریده اند!

نمی خواستم خون مادرم پامال شود و باید حقیقت روشن می شد. برای همین اقدام به شکایت قانونی کردم و رسیدگی به پرونده در دادسرای جنایی تهران به جریان افتاد. وقتی مدارک شکایت مادرم را در اختیار بازپرس قرار دادم و همچنین فیلمی را که برادرم در آخرین تماس مادرم گرفته بود به بازپرس دادم، دستور نیش قبر صادر شد.

۴ روز از خاکسپاری مادرم گذشته بود که با حضور مأموران قضایی نیش قبر کرده و جسد مادرم را برای انجام معاینات لازم به پزشکی قانونی فرستادیم. تحمل صحنه بیرون کشیدن مادرم از قبر برای من به حدی سخت بود که هنوز هم حال روحی مساعی ندارم. فردای آن روز بعد از اینکه معاینات پزشکی قانونی پایان گرفت دوباره جسد مادرم را به خاک سپردیم.

کمیسرین پزشکی قانونی در نظریه خود اعلام کرد که آلام روحی ناشی از صدمات وارد شده سبب عارضه قلبی منجر به مرگ شده است

مدتی بعد نتیجه معاینات پزشکی قانونی اعلام شد که پزشکان تشخیص علت دقیق مرگ را به دلیل جمود نعشی و فساد جسد ممکن ندانستند. این اظهار نظر برای من خیلی عجیب بود.

تشخیص سکنه قلبی دادند که منجر به فوت او شد.

حال روحی خیلی بدی داشتم اما در همان حال رفتارهای مشکوک و پیچ پیچ های فامیل را متوجه می شدم. حتی همسر هم این حس را کرده بود و از من می پرسید که برای مادرت قبل از فوت او چه اتفاقی افتاده بود؟

انجام کارهای اداری برای برگزاری مراسم خاکسپاری خیلی سریع انجام شد اما بعد از آن برادرم به من حرف هایی زد که باعث شد جرقه هایی از شک به علت فوت مادرم در ذهنم روشن شود.

نیش قبر مادرم

برادر و خواهرم خارج از کشور زندگی می کنند. بعد از مراسم خاکسپاری مادرم بود که برادرم به من گفت وقتی به او خبر و خامت حال مادرم داده شده است، از یکی از نزدیکان خواسته بود مادرم را ببیند. آن فرد تماس تصویری برقرار کرده و برادرم در دقایقی قبل از فوت مادرم او را دیده بود.

برادرم می گفت صورت مادر کبود بود. علت این را از کسی که در کنار مادرم بود پرسیده بود و او گفته بود مادرت با صورت زمین خورد!

با اینکه آن فرد می دانست علت کبودی صورت مادرم کتک هایی بود که از برادرش خورده بود اما این موضوع را عنوان نکرد و دروغ گفت!

برادرم به کبودی صورت مادرم مشکوک شده و با ایل آئی دی که خودش برای مادرم ساخته بود به اطلاعات گوشی مادرم دست پیدا کرده بود. در گوشی مادرم مدارکی از شکایت علیه برادرش وجود داشت که نشان می داد ۲ روز قبل از فوت مادرم، او با برادرش درگیر شده و در جریان درگیری برادرش او را کتک زده بود.

مرگ معمایی یک مادر سبب شد برای رازگشایی از علت مرگ، دستور نیش قبر صادر شود.

همه دقایقش پر شده از یک کلمه: «مادر!»

یاد مادر از دست رفته اش بر قلب او خنجر می زند و خاطرات تلخ و شیرین لحظه های دست از سر او بر نمی دارد. ناصر پرویزی در خانه مادری به دنبال عطر مادارش می گردد که کم کم دارد از همه چیز محو می شود.

وقتی مادارش را از دست داد گمان می کرد که شاید یک بیماری ساده گریبان او را گرفته و سرانجام او را از پای درآورده است. اما چند روز بعد وقتی برادر ناصر توانست گوشی مادرشان را باز کند راز یک جنایت فاش شده و پرونده قضایی به جریان افتاد.

رسیدگی به این پرونده در شعبه پنجم دادسرای جنایی تهران در جریان است.

وقتی مادر مرد!

ناصر پرویزی می گوید: یک سالی می شد که مادرم را ندیده بودم. از او دلگیر بودم و بحث هایی که بر سر مسائل مختلف پیش آمده بود باعث شده بود که سراغی از هم نگیریم. گمان می کردم صد سال فرصت دارم برای اینکه او را ببینم و باز هم با همدیگر خوش باشیم. درگیر روزمرگی شده بودم و روزهای بی خبری از او پشت سر هم می گذشت. حالا هم همین شده بزرگترین حسرت زندگی ام! همین که ای کاش سراغی از او می گرفتم. به درد دل غمگینش گوش می دادم! می دانم که در روزهای آخر عمرش غصه زیادی در دلش بود. او یک فرشته بود و تصور اینکه با دل شکسته از دنیا رفت برایم دردآور است.

۲۳ مرداد سال ۱۴۰۰ بود که با من تماس گرفته و گفتند حال مادرم بد شده و در بیمارستان بستری است. سریع خودم را از محل کارم در کرج به بیمارستان رساندم. در همه راه با خودم فکر می کردم که حتماً اتفاق بدی برایش افتاده است. نمی دانم چرا امایی جهت دلم شور می زد!

وقتی به تهران رسیدم و به بیمارستان رفتم متوجه شدم که مادرم چند ساعت قبل فوت کرده است. می گفتند مادرم به یکی از اقوام نزدیک گفته بود حالش خوب نیست و بعد از انتقال به بیمارستان

میهمانی مرگ دختر ۱۷ ساله در خانه عموی کینه جو

بی گناهی داشت سرانجام اعتراف کرد نویسن را خفه کرده است و جنازه را با ماشینش به اطراف یکی از روستاهای این شهرستان منتقل و رها کرده است.

کشف جسد دختر ۱۷ ساله

با راهنمایی های عمومی جنایتکار جسد نویسن کشف شد و به پزشکی قانونی انتقال یافت تا از چگونگی جنایت رازگشایی شود.

قاتل نویسن در بازجویی ها انگیزه قتل را اختلاف خانوادگی با برادرش دانست که خواسته بود با قتل نویسن انتقام بگیرد.

۲۳ تیرماه خانه شان را به مقصد خانه عمویش ترک کرده و بعد از آن هیچ مراجعتی نداشته و ناپدید شده است.

ردیابی در خانه عموی نویسن

مأموران در ادامه بررسی های خود با ورود به منزل عموی نویسن در حالی که عموی ۴۱ ساله ادعا داشت از سرنوشته نویسن خبری ندارد در بازرسی از منزل آثار خون در درون صندوق عقب خودرو را به دست آوردند که نشان می داد جنایتی فامیلی رخ داده است.

اعتراف عموی کینه جو

عموی دختر بلافاصله بازداشت شد و در حالی که اصرار بر

دختر ۱۷ ساله وقتی به خانه عمویش می رفت نمی دانست کینه قدیمی جان او را خواهد گرفت. این جنایت در کوه چنار وقتی فاش شد که خانواده دختری به نام نویسن مرتضوی با مراجعه به پلیس کوه چنار پدرو از کم شدن دخترشان برداشتند.

دختر گم شده

روز شنبه ۲۴ تیرماه در پی اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر کم شدن دختری جوان در یکی از محله های شهر قائمیه تیمی از پلیس آگاهی وارد عمل شدند تا رازگشایی کنند. در تحقیقات تخصصی مشخص شد که این دختر به نام نویسن بعد از ظهر روز جمعه

